



مشروعیت جهاد در فلسطین

دکتر یوسف قرضاوی

ترجمه: جهاندار امینی

«سبحان الذی أسرى عبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الأقصى الذی بارکنا حوله» [اسراء: 1]؛ تسبیح و تقدیس خدایی را سزا است که بنده خود را در شبی از مسجد الحرام به مسجد الأقصى برد؛ جایی که دوروبر آنرا پر برکت ساخته ایم.

این سرزمین مقدس به خبیث ترین و فاجرترین و شرورترین نوع استعمار مبتلا شده و آن استعمار صهیونیسم نژاد پرست، اشغالگر و تروریست وحشی است. که کرامت و حرمت انسانی را نادیده می گیرند، و بر خود لازم می دانند که در مقابل مسلمانان کوچکترین برخورد منصفانه ای نداشته باشند.

این استعمار با به کارگیری خشونت و وحشی گری، خود را مالک منطقه و سرزمینی می داند که تا نیم قرن پیش هیچگونه تعلق به آن نداشته و اکنون با هر حيله و نیرنگی و با کمک گرفتن از آمریکا و انگلیس خود را مسلط بر این سرزمین کرده و مردم آن را آواره گردانیده است.

اندیشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که بر مسلمانان فلسطین واجب است برای بیرون راندن دشمن اشغالگر، پیر و جوان و زن و مرد به پاخیزند. و این واجب عینی، بر تک تک افراد به اندازه توانایی شان رو می کند. اینجاست که بعضی از حقوق فردی ساقط

جهاد به کار گرفتن توان و نیرو در موضعش و به اندازه ای است که ضرورت جهاد اقتضا می کند، و البته با دشمن و دشمنانی است که به اسلام و مسلمین تجاوز و تعدی کرده و ایجاد فتنه می کنند، مسلمانان را از سرزمین خود بیرون می رانند، به مستضعفین اذیت و آزار می رسانند، حقوق آنها را نادیده می گیرند و مملکت شان را به اشغال در می آورند و مقدسات آنها را هتک می کنند. جهاد در چنین حالتی مشروع و واجب است: «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین» [بقره: 190]؛ در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می جنگند، و تجاوز و تعدی نکنید زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی دارد.

مشروعیت جهاد در فلسطین

بدون شک بهترین جهاد در عصر حاضر که به مشروعیت دینی نزدیک است، جهاد برای آزادسازی فلسطین اشغالی می باشد. همان سرزمین اسراء و معراج، سرزمین اقصی و قبله اول مسلمین و یکی از سه مسجد محترم در اسلام که خداوند آنرا متصل به مسجد الحرام می کند، که ابتدای سفر شبانه پیامبر از مسجد الحرام و انتهایش در مسجد اقصی و سپس به آسمانها بوده است.

کنند. چون حکومتها به مردم وابسته اند و نمی توانند از آنها جدا شوند، همانند روح و جسمی که نمی توانند بدون همدیگر حیات داشته باشند. حداقل کار این است که حکومت زمینه ای فراهم کند تا فرزندان و جوانان غیور کشور و آنهایی که توانایی دارند، بتوانند به یاری مقاومت و انتفاضه بروند و به آرزوهای خود در این راستا برسند. و قطعاً گروهی خواهند بود که برای اعلاهی کلمه الله با دجال و ایادی آنها به مبارزه برخیزند؛ چرا که این جهاد بر مردم فلسطین به صورت خاص و مسلمانان جهان به صورت عام، واجب عینی می باشد.

عملیات شهادت طلبانه

عملیات شهادت طلبانه که گروه های فلسطینی در راستای مقاومت و انتفاضه انجام می دهند، داخل در خشونت و تروری که ما آنرا محکوم و ممنوع می دانیم، نیست. اگر چه به ظاهر موجب ضربه رساندن به بعضی دیگر می شود، اما دلالی در تأیید این موضوع بیان می کنیم:

۱- از آنجا که رژیم اسرائیل، رژیم استعماری، نژادپرست و غاصب و رژیم کاملاً نظامی و تادندان مسلح است؛ یعنی هر شهروند اسرائیلی که به سن رشد رسیده چه زن و چه مرد، عضوی از ارتش صهیونیستی می باشد؛ یعنی هر اسرائیلی بالفعل یا بالقوه سرباز جنگی محسوب و در هر لحظه آماده حمایت مالی و نظامی از اهداف دولت اشغالگر اسرائیل است و این واقعیتی است که به وضوح دیده می شود و نیازی به اثبات ندارد، بویژه که آنها خوی نژادپرستی و ادعای مالکیت فلسطین را در سر دارند و برای نابود کردن طرف مقابل خود حاضرند دست به هر خشونت و جنایتی بزنند.

۲- صهیونیست ها و رژیم اسرائیل یک ویژگی خاص دارند که آنها را از سایر جوامع بشری متمایز می سازد و آن خوی زورگویی و جنگ طلبی است که با پشتوانه حمایت های محکم و هم جانبه دولتهای آمریکا، روسیه و کشورهای اروپایی اعمال می گردد. از این رو سرزمینی را که هیچ تعلقی به آنها ندارد، این چنین اشغال کرده و ادعای مالکیت آن را دارند و برای این هدف فلسطین را مستعمره خود ساخته و به راحتی مردم را از خانه و کاشانه شان بیرون می رانند و دست به هر نوع ترور و خشونت می زنند. اینجاست که بر همه اقشار مردم از پیر و جوان گرفته تازن و مرد، لازم و ضروری است که به اندازه وسیع و توان خویش جهاد در فلسطین را یاری دهند و در مقابل این استعمارگر زورگو و غاصب مقاومت و آنها را از سرزمین مقدس قدس بیرون برانند. علما و اندیشمندان این جهاد را، جهاد اضطراری می دانند و اهمیت این جهاد به اندازه ای زیاد است که می توان آن را یک اصل اساسی نامید؛ و اگر در این بین کودکان و ناتوانان نیز کشته شوند، این کشته شدن ها که به تبع صورت می گیرند، فرع آن مسئله

می شود؛ از جمله زن برای رفتن به جهاد نیازی به اجازه شوهر ندارد، و فرزند و خادم نیز نیازی به اجازه پدر و آقای خود ندارد، چون حقوق اجتماعی از قبیل حفظ و نگهداری، آزادی و امنیت، بالاتر و مهم تر از حقوق فردی شوهران، پدران و... هستند. اما اگر مردم فلسطین از عهده این وظیفه، یعنی خارج کردن و پاک سازی سرزمین از اشغالگران، برنیامدند، این وظیفه به کشورهای همسایه مسلمان رو می کند که باید آنها را یاری دهند. و اگر کشورهای همسایه نیز نتوانستند (همان چیزی که امروزه مشاهده می کنیم)، این وظیفه متوجه دولت ها و مردم کشورهای اطراف آنها و به همین ترتیب نهایتاً همه مسلمانان دنیا خواهد شد، و این چیزی است که احکام شرعی و فقه اسلامی و همه مذاهب مختلف آن را تأیید می کنند. اما واقعیت این است که فلسطینیها هر آنچه را که از دستشان برآمده، انجام داده اند و کوتاهی نکرده اند. از قبیل تقدیم عزیزترین قهرمانان خود در راه مقاومت، عملیات شهادت طلبانه، نبردهای مختلف در شهرها و اردوگاهها به رغم کمترین امکانات و کمکهای مالی و نظامی، و با وجود به آتش بستن آنها با توپ و تانک و هواپیما و ویران کردن خانه ها، تخریب و به آتش کشیدن مزارع، قلع و قمع درختان، آواره کردن از خانه های شان و در محاصره قرار دادن آنها (محاصره اقتصادی، غذایی و...) برای تسلیم شدن در مقابل خواسته های شوم صهیونیست های خون آشام و جنایتکار. خوشبختانه آنها کوچکترین یأس و ناامیدی به خود راه ندادند و سر تسلیم در مقابل آنها خم نکردند. اما آنچه که واضح است نیروهای فلسطینی تاب مقابله با دشمن اسرائیلی را که به سلاحهای خطرناک کشتار جمعی از جمله سلاح هسته ای است، ندارد. بنابراین وظیفه دفاع از فلسطین، بر همسایه های مسلمان این سرزمین واجب عینی می باشد. اما متأسفانه کشورهای عربی همسایه فلسطین، ضعیف و حقیر شده اند و فلسطین را با امکانات ناچیزش در مقابل دشمن سرسخت و ظالمی که تادندان مسلح است و هیچ گونه ترحمی ندارد، تنها و رها ساخته اند. با وجود این مشکلات و وظیفه حمایت از مردم و سرزمین فلسطین اشغالی بر همه مسلمانان جهان لازم می باشد، و باید کوچک و بزرگ، زن و مرد و همه و همه با تقدیم جان و مال خود در راه خدا به اندازه توانایی، این جهاد مقدس را یاری رسانند. بر مسلمانان واجب است که اگر گوشه ای از سرزمین اسلامی توسط دشمن غاصب به اشغال درآید، دفاع کنند. چه برسد به اینکه اکنون که قبیله اول مسلمانان یعنی سرزمین اسراء و معراج به اشغال درآمده است. اما اگر حکومتها از این وظیفه شانه خالی کردند، باید مردم مسلمان با هر وسیله ممکن حکومت ها را تحت فشار قرار دهند، از جمله با امر به معروف و نهی از منکر و یا با کمک گرفتن از علما، داعیان، متفکران، روشنفکران، نویسندگان، روزنامه نگاران و... تا بتوانند این حقیقت را به حکومتها تفهیم و آنها را وادار به اجابت

به حساب می آیند. با توجه به اینکه با گذشت زمان، خوی جنگ افروزی و زورگویی این اشغالگران از بین نمی رود و شهر و ندان اسرائیلی از صفت نظامی گری و تجاوز گری خود دست بر نمی دارند؛ پس باید مقاومت و جهاد ادامه داشته باشد: «**اللا لعنة الله على الظالمين**» (هود: ۱۸)؛ بدانید که لعنت خداوند بر ستمکاران است. ۳- شریعت اسلامی که تنها مرجع همه امورات زندگی مامی باشد، دو صفت را برای غیرمسلمانان برمی شمارد و آن «صلح طلب» یا «جنگ طلب» است.

اگر صلح طلب بودند، این امری پسندیده و مطلوب مانیز می باشد و ما با آنها صلح و سازش می کنیم. و اما اگر جنگ طلب بودند، مانیز مقابله به مثل می کنیم و با آنها می جنگیم. همانطور که خداوند می فرماید: «**واقتلوهم حيث تقتموهم و آخر جوهم من حيث آخر جوهم و الفتنة أشد من القتل و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتى يقاتلوك فيه فان قاتلوكم فاقتلوهم كذالك جزاء الكافرين. فان انتهوا فان الله غفور رحيم. و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان الا على الظالمين**» [بقره: ۱۹۱ - ۱۹۳]؛ هر جا آنها را (که آغازکنندگان جنگ بوده اند) یافتید، بکشیدشان، و از آنجا که شما را بیرون کرده اند، آنان را بیرون کنید، و (بدانید که) فتنه بدتر از قتل است. و با آنان در کنار مسجد الحرام کارزار نکنید مگر آنگاه که آنان با شما بستیزند، پس اگر با شما جنگیدند، ایشان را بکشید. سزای کافران اینچنین است. و اگر دست نگه داشتند (بدانند که) خداوند آمرزنده مهربان است. و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و (دین) تنها دین خدا باشد. و اگر دست نگه داشتند، (بدانید که) ستم (و تجاوز)، جز بر ستمکاران روا نیست.

در سوره ممتحنه نیز می فرماید: «**لا ينهاكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين و لم يخروكم من دياركم أن تروهم و تقسطوا اليهم ان الله يحب المقسطين. انما ينهاكم الله عن الذين قاتلوكم في الدين و آخر جوكم من دياركم و ظاهروا على اخراجكم أن تولوهم و من يتولهم فأولئك هم الظالمون**» [ممتحنه: ۸ و ۹]؛ خداوند شما را باز نمی دارد از اینکه با کسانی که با شما به خاطر دین نجنگیده اند و شما را از خانه هایتان بیرون نکرده اند، نیکی کنید و در حق آنان به عدل و داد رفتار کنید؛ بی گمان خداوند دادگران را دوست دارد. بلکه خداوند شما را باز می دارد از دوستی و ورزیدن با کسانی که به خاطر دین با شما جنگیده اند و از شهر و دیارتان بیرون رانده اند و برای اخراج شما (دیگران را) پشتیبانی کرده اند؛ و کسانی که با آنان دوستی کنند ظالم و ستمکارند.

پس موضع مسلمانان در برابر گروه اول، یعنی گروه صلح طلب، برخورد همراه با انسان دوستی و عدالت است. و اما در برابر گروه دوم، یعنی جنگ طلبان، اشغالگران و زورگویان، برخوردی همانند برخورد آنان و در واقع مقابله به مثل می باشد.

۴- جمهوری فقهی مسلمان بر این مسئله اتفاق دارند که اگر سپاه دشمن در جنگ با مسلمانان، گروهی از مسلمانان را به عنوان سپر در جلو سپاه خود قرار داده بودند تا اولین تیرها به آنها اصابت کند، در این حالت به سپاه مسلمانان این اجازه داده شده که به ناچار این گروه مسلمان را که به زور در اول سپاه کفر قرار داده شده اند، بکشند. در غیر این صورت نیروهای دشمن پیشروی می کنند و هم سپاه و هم نسل و سرزمین اسلامی را قلع و قمع کرده و به خاک و خون می کشند. بنابراین برای دفاع از یک اصل اساسی (اسلام) می بایستی عده ای فدا شوند و این از موارد فقه موازات بین مصالح و مفاسد می باشد. و چون کشتن عده ای مسلمان که به اکراه سپر دشمن قرار گرفته اند، جایز می باشد، پس کشتن دشمنان غیرمسلمان برای آزادسازی سرزمین اشغال شده به هر طریقی جایز می باشد.

۵- دو نوع احکام داریم: احکامی که مربوط به وضع عادی و مسالمت آمیز هستند و احکامی که مربوط به حالت اضطرار و تنگنا می باشند. چنانکه برای فرد مؤمن در حال اضطرار امتیاز و شرایطی وجود دارد که در غیر این حالت وجود ندارد؛ مثلاً خوردن گوشت مردار (حیوان خودمرده) و خون و گوشت خوک را خداوند در قرآن حرام گردانیده است، اما در صورت اضطرار به استفاده از آن رخصت داده است: «**فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فلا اثم علیه**» [بقره: ۱۷۳]؛ اگر کسی بی آنکه سرکش و تجاوزکار باشد (به خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک) ناچار گردد، گناهی بر او نیست.

فقه بر همین اساس قاعده فقهی «**الضرورات تبیح المحظورات**» [ضرورتها محرمات را مباح می گرداند] را استخراج کرده اند. لذا در این شکی نیست که برادران فلسطینی ما در حالت اضطرار هستند و این وضعیت سخت آنها را مجبور می کند دست به عملیات شهادت طلبانه بزنند تا دشمنان غاصب سرزمین شان را از بین ببرند و ترس و وحشت را در دل دشمنان غاصب شان بیندازند و زندگی را بر آنها سخت کرده و هر نوع آسایش را از آنان سلب نمایند تا هر چه سریع تر به فکر فرار و بازگشت به کشورهای شان بیفتند. و اگر دست به این عملیات شهادت طلبانه نزنند، مجبور به تسلیم در مقابل زورگویی ها خواهند شد و همه چیزشان را از دست خواهند داد و هیچ حقوقی به آنها تعلق نخواهد گرفت.

در وضعیتی که رژیم صهیونیستی با کمکها و حمایتهای مالی و نظامی و با توپ و تانک و هواپیما و کشتی های جنگی به جنگ فلسطینی های رود، آنها هیچ سلاحی ندارند که با این دشمن اشغالگر و تجاوزکار مقابله کنند و خواب و راحت آنها را سلب کنند و امنیت و آسایش را از آنها بگیرند مگر با همین «بمب های بشری»؛ یعنی همان زنان و مردان فلسطینی ای که خود را در میان دشمنشان منفجر می سازند. و این تنها سلاحی است که دشمن آنها به آن دسترسی ندارد، حتی اگر آمریکا با میلیاردها دلار و قوی ترین جنگ افزارها او را

اراده و شخصیت اوست، و اما مجاهد شهادت طلب پیشقدم، شجاع و باراده است و هدفش جلب رضایت خداوند است: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» [بقره: ۲۰۷]؛ و از مردمان کسی هست که از جاننش برای کسب خشنودی خدا می گذرد.

۲- و اما در مورد اینکه این عملیات به کودکان، زنان، سالمندان و دیگر شهروندان عادی یهودی آسیب می رساند، توضیح دادیم که رژیم صهیونیستی رژیمی است که همه شهروندان آن عضو ارتش اسرائیل هستند، و اما به نسبت کودکان باید گفت که هدف شهادت طلبان کشتن آنها نیست و نخواهد بود. اما کشتار آنها به دنبال هدف اصلی و به تبع آن صورت می گیرد که ضرورت اینگونه اقتضای کند از جمله مباح شدن محرمات و ساقط شدن واجبات.

۳- و اما مسئله تبعات این قبیل عملیات ها برای مردم فلسطین؛ اگر این اشکال مطرح گردد که اسرائیل در انتقام از عملیات های شهادت طلبانه، چندین برابر تلافی می کند و این عامل تخریب و از بین رفتن سرزمین فلسطین می شود، باید گفت که اولاً: اسرائیل همیشه آغازگر شرارت و نزاع بوده و مقاومت نیز در تلاش بوده که آنها را طرد و از خود دفاع کند و این مثل روز روشن واضح و آشکار است و کسی نمی تواند منکر این واقعیت گردد؛ چنانکه اسرائیل در قوانین بین المللی کشوری اشغالگر معرفی شده و از فلسطینیان به عنوان مدافعان سرزمین خود یاد شده است.

ثانیاً: این خوی و وحشی گری و دشمنی اسرائیل، از گذشته تا امروز بوده و هست و کاری جز کشتار مردم و توقیف و تصرف اموال آنها ندارند و این وحشی گری که جزو سرشت آنهاست لایتغیر است و اگر فلسطینیان این سلاحهای ناچیز و عملیات استشهادی را کنار بگذارند، اسرائیلی ها این بار راحت تر به کشتار آنها و تخریب سرزمینشان اقدام می کنند.

ثالثاً: معقول و پسندیده نیست که خسارات وارده از جانب اسرائیلی ها را بر فلسطین بزرگ بپنداریم و آثار عملیات شهادت طلبانه را در رژیم صهیونیستی از جمله ترس و وحشتی که در دل آنان خانه کرده است و احساس ناامنی روزافزونی که بسیاری از آنان را به فکر کوچ کردن انداخته است و یا وادار به فرار کرده است، و یا تأثیرات بسزایی را که این عملیات ها بر سیاست، گردشگری، اقتصاد و اسرائیل گذاشته است، نادیده بگیریم. پوشیده نیست که اسرائیل و آمریکا در پشت قضیه با به کارگیری هر نوع حيله و تبلیغات در تلاشند تا چهره عملیات شهادت طلبانه را مخدوش و به هر وسیله ممکن، حتی با صرف هزینه های کلان، آن را متوقف کنند و از آن جمله است تشویق حکومت خودگردان فلسطین برای سرکوب مقاومت به بهانه مبارزه با تروریسم.

حمایت کنند. این سلاحی است که صاحب و دارنده آن تنها خداوند متعال است و فقط آن را به اهل ایمان هدیه می دهد، و این عدالتی الهی در زمین است و تنها صاحبان بصیرت می توانند حقیقت آن را فهم و درک کنند. این اسلحه ضعیف و مظلوم در برابر قوی و زورگوست: «و ما یعلم جنود ربک الا هو» [مدثر: ۳۱]؛ لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی داند.

شبهات مخالفین و پاسخ آنها

مخالفین بر عملیات شهادت طلبانه، شبهات ذیل را وارد می کنند:

۱- این عملیات یک نوع خودکشی و در مهلکه انداختن نفس می باشد که این از بزرگترین محرمات در اسلام است؟

۲- در این عملیات افراد عادی کشته می شوند، از جمله زنان و کودکان که قتل آنها در اسلام ممنوع و حرام است و حتی در رویارویی با دشمن، کشتن افرادی سلاح ممنوع شده، چه برسد به شهروندان غیر نظامی و بی طرف؟

۳- این عملیات باعث ویرانی و خسارتهایی برای خود فلسطینیان می شود؛ چون صهیونیستها برای انتقام این کارها، دست به قتل و کشتار و نابود کردن و به آتش کشیدن همه چیز می زند، حتی اگر عملیات شهادت طلبانه جایز باشد، با توجه به نتایج و آثار زیانبار آن، ممنوع خواهد شد، چون اهداف و نتایج نیز از نظر اسلام مورد نظر هستند.

اینک ما به تک تک این شبهات پاسخ می دهیم:

۱- عملیات شهادت طلبانه مقوله ای جدا از خودکشی است و آنهایی که این عملیات را خودکشی و قتل نفس می دانند، کاملاً در اشتباه اند؛ چون اهداف این عملیات با خودکشی کاملاً متفاوت است و اگر کسی این دو مسئله را بدرستی تجزیه و تحلیل کند، تفاوت فاحش آنها را می تواند به راحتی درک کند. فردی که دست به خودکشی می زند، خودکشی اش یا ناشی از شکست و ناکامی در زندگی است، یا ناکامی در عشق و یا در بن بست قرار گرفتن است، و هنگامی که خود را در مقابل مشکلاتی که برایش پیش آمده ناتوان می بیند، تصمیم به فرار از زندگی می گیرد و خود را از بین می برد. اما فرد شهادت طلب این کار را نه تنها به خاطر خودش نمی کند، بلکه به خاطر هدف مهمتری که همه فداکاریها فدای آن می شود و آن تقدیم عزیزترین گوهر زندگی یعنی جان، به خداوند متعال است تا در مقابل بهشت را از او بخرد: «ان الله اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون» [توبه: ۱۱۱]؛ خداوند از آنان جانهایشان و اموالشان را به (بهای) آنکه بهشت برای آنان باشد، خریده است. در راه خدا جنگ می کنند و می کشند و کشته می شوند.

پس اگر فردی با خودکشی از زندگی فرار می کند، نشان از ضعف

